

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سيزدهم رجب ۱۴۴۲ مطابق با ۱۲/۱۲/۱۳۹۹

ميلاد با سعادت امير مؤمنان امام على (عليه السلام)

مبارک باد ميلاد مسعود امير مؤمنان امام على (عليه السلام) تبریک و تهنيت بر همه ارادتمندان و موالیان و محبين اهل بيت عصمت و طهارت و بهترين بهره‌های از اين مناسبت نصيب و روزی همه شيعيان و مسلمانان و محرومين جهان باد.

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ، الْمُضِيئَةِ الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُؤَنَّقَةِ بِالإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجِيْعِكَ أَدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ

حضرت امير(صلوات الله و سلامه عليه) فرمود: «الْمُؤْمِنُ دَائِمُ الذِّكْرِ، كَثِيرُ الْفِكْرِ، عَلَى النِّعَمَاءِ شَاكِرٌ وَفِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ - مؤمن، همواره به یاد خداست، بسیار می اندیشد، بر نعمت های الهی سپاس گزار و در گرفتاری ها صبور است». (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۱۷)

موضوع تدبر:

اگر بخواهیم این چهار خصلت را در آئینه بزرگترین آیت حق یعنی وجود نازنین امیرمؤمنان به عنوان برگی از فضایل و مناقب آن حضرت ببینیم، با چه صحنه‌هایی از تاریخ زندگی آن حضرت مواجه خواهیم شد؟

گر تشنه فیض رحمتی ای حافظ سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس

پاسخ:

کعبه بر خود شکافت که تفسیر توحید علی است

اولین توجه ولادتی است که بگونه‌ای بسیار متفاوت ما را به یاد اراده الهی می‌اندازد. برآستی راز ولادت آن حضرت در خانه کعبه چیست؟ برای پاسخ به این سؤال اول باید دانست راز طواف خانه کعبه چیست؟ آیا دلیل آن دعوت به توحید و گردیدن بر مدار توحید نیست؟ مگر راز ولادت علی علیه السلام در خانه خدا چیزی غیر از این است؟

یعنی اینکه خداوند تفسیر روشنی از خانه خود را اینچنین ارائه می‌دهد که: تفسیر عملی توحید در زندگی شما انسانها، مرام و مسلک علی(ع) است. گواينکه کعبه دهان باز کرده، به اراده الهی، فلسفه وجودی

خود را به وسیله مولود خود این گونه فریاد می‌کند: موحد حقیقی بودن یعنی علی (ع)، بر مدار حق چرخیدن یعنی علی (ع).

اگر از ظاهر خانه کعبه گذشتیم و معتقد شدیم که حقیقت خانه، کعبه دل است، یعنی قلب انسان حرم و خانه خداست که جز خدا نباید در آن باشد. در این صورت تفسیر مولود کعبه یعنی اینکه: باز هم خانه خدا (کعبه دل) از خود تفسیر روشنی ارائه می‌دهد و آن عشق به علی و صفات و خصال علی است که عشق به خداست.

از این رو حاصل رسالت در تفسیر رسول خدا(ص)، ولایت است. زیرا فرمود من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم جز مودت به اهل بیت « لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - شوری/۲۳ » و فرمود: «من كنت مولا فهاذا علي مولا اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.» (خطبه غدیر)

حال بیائید ببینیم ما در وجود علی (ع) تفسیر توحید را چگونه می‌بینیم؟ آیا خانه کعبه حق داشت که دهانی گویا شود و وجود علی را فریاد کند که: گردیدن گرد من یعنی بر مدار توحید بودن یعنی اقتدا به علی، فاطمه و فرزندان پاکش(علیهم السلام)؟

الا که رحمت آیتی ز رحمت علی بود	همه کتاب انبیا حکایت علی بود
بهشت و هر چه اندر او عنایت علی بود	اجل نعمت خدا ولایت علی بود

به روایت اهل سنت: کعبه چگونه نام علی را فریاد کرد؟

محمد مالکی از علمای اهل سنت ماجرا را چنین بازگو می‌کند: «وُلِدَ بِمَكَّةَ الْمُشْرِفَةَ دَاخِلَ بَيْتِ الْحَرَامِ ... - علی در داخل خانه خدا در مکه، روز جمعه سیزدهم ماه خدا، رجب سال سی از عام الفیل به دنیا آمد...» (مستدرک صحیحین ج ۳ ص ۴۸۳)

« قبل از او کسی در داخل خانه خدا به دنیا نیامده بود و این ولادت فضیلتی است که خدای بلند مرتبه، علی (علیه السلام) را به آن اختصاص داده است، برای تجلیل او و بالا بردن مرتبه او و آشکار نمودن کرامت و بزرگواری او» (الفصول المهمة، ص ۱۲)

حاکم نیشابوری دانشمند اهل سنت می‌گوید: «اخبار به تواتر رسیده که فاطمه دختر اسد، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب کرم الله وجهه را در درون کعبه زائید.» (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۴۸۳)

احمد بن عبدالرحیم دهلوی مشهور به «شاه ولی الله» پدر عبدالعزیز دهلوی نوشته است: «اخبار متواتر است که فاطمه دختر اسد امیرالمؤمنین علی را در درون کعبه زائید. آن حضرت در روز جمعه سیزدهم ماه رجب سی سال بعد از عام الفیل در کعبه متولد گردید، و هیچ کس جز او نه قبل و نه بعد از وی در کعبه متولد نگردید.» (مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۹)

شهاب الدین سید محمود الوسی صاحب تفسیر کبیر اهل سنت در مدح مولای متقیان می نویسد: «اینکه امیر، کرم الله وجهه (گرامی باد رخسار او) در خانه خدا متولد شده، در دنیا امری مشهور، و در کتب فریقین سنی و شیعه ذکر شده است ... جز او، کرم الله وجهه کسی در خانه خدا متولد نشده و چقدر مناسب است که امام ائمه در محلی که قبله مسلمین است متولد گردد. سبحان من یضع الاشیاء فی مواضعها و هو احکم الحاکمین (شرح قصیده عبدالباقی افندی، ص ۱۵)

در کعبه شد پدیدار و به محراب شد شهید نازم به حسن مطلع و حسن ختام او

یا فاطمه سَمَیْهِ عَلَیَا (یا فاطمه نام او را علی بگذار)

سعید بن جبیر از یزید بن قعنب نقل نموده که من با عباس بن عبدالمطلب و گروهی از فرزندان عبدالعزی در مقابل خانه خدا نشسته بودیم که ناگهان فاطمه دختر اسد مادر امیرالمؤمنین که نه ماهه باردار بود و درد زایمان او را گرفته بود، ظاهر شد، «فَقَالَتْ رَبِّ اِنِّیْ مُؤْمِنَةٌ بِكَ ... بِحَقِّ الْمَوْلُودِ الَّذِیْ فِیْ بَطْنِیْ لَمَّا یَسَّرْتَ عَلَیَّ وَلَادَتِیْ - پس فاطمه گفت: پروردگار! به تو و پیامبران و کتابهایی که از طرف تو نازل شده اند، ایمان دارم و سخن جدّم ابراهیم خلیل را تصدیق می کنم؛ او که این خانه عتیق را بنا کرد. پس به حق آن کسی که این خانه را ساخت، و به حق کودکی که در رحم دارم، ولادت این کودک را بر من آسان فرما!» (بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۸، حدیث ۱۱)

یزید بن قعنب می گوید: ما دیدیم که خانه خدا از پشت شکافته شد (محل مستجار) و فاطمه داخل خانه شد و ما دیگر او را ندیدیم، و دیوار دوباره به حال اوّل برگشت، به ذهن ما رسید که قفل در خانه خدا را باز کنیم، ولی باز نشد، «فَعَلِمْنَا اَنَّ ذَٰلِكَ اَمْرٌ مِّنْ اَمْرِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ - پس دانستیم که این مسئله کاری است از طرف خدای عزیز و جلیل.» (الغدیر، علامه امینی، ج ۶، ص ۲۲)

وقتی از خانه بیرون آمد، گفت: «اِنِّیْ فُضِّلْتُ عَلَی مَنْ تَقَدَّمَنِیْ مِنَ النِّسَاءِ ... - به راستی من بر زنهای پیش از خود برتری یافتم؛ زیرا آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) خدا را پنهانی در جایی عبادت کرد که دوست نمی داشت در آن مکان (یعنی کاخ فرعون) خدا را عبادت کند، مگر در حال ناچاری. و به راستی مریم دختر عمران درخت خشک خرما را با دستش تکان داد تا رطب تازه ای از آن بخورد، ولی من داخل خانه خدا شدم و از میوه های بهشتی و ورقها (یا روزیها)ی آن استفاده بردم.» (بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۸)

فاطمه بنت اسد می گوید: «فَلَمَّا ارَدْتُ اَنْ اَخْرُجَ هَتَفَ بِیْ هَاتِفٌ یَا فاطِمَةُ سَمَیْهِ عَلَیَا ... - پس هنگامی که خواستم [از کعبه] خارج شوم، هاتفی [از غیب] مرا ندا داد: ای فاطمه [او را] به نام علی نام گذاری کن! پس او علی است و خدای علی اَعْلٰی است که می گوید: به راستی، اسم او را از اسم خودم جدا ساختم و او را به ادب خود پرورش دادم و او را بر پیچیدگیهای علم خود آگاه ساختم و او کسی است که... بر بام خانه من اذان خواهد گفت و مرا تقدیس و تمجید خواهد نمود. پس خوش به حال کسی که او را دوست بدارد و اطاعتش کند و وای بر کسی که او را دشمن بدارد و نافرمانی کند.» (بحار، ج ۳۵، ص ۱۸)

من ار به قبله رو کنم به عشق روی او کنم اقامه صلات را به گفتگوی او کنم
گر از وطن سفر کنم سفر به سوی او کنم زحج و بیت بگذرم طواف کوی او کنم

در رحم مادر به احترام پیامبر (ص) بر می خاست

جلال الدین محمد دوانی فیلسوف مشهور که از مفاخر علمای عامه بوده و در اواخر عمر شیعه شده است، در کتاب فارسی «نور الهدایه فی اثبات الولایه» می نویسد: «این که جمهور اهل سنت از میان تمام صحابه پیغمبر فقط به علی (علیه السلام) «کرم الله وجهه» می گویند (یعنی گرامی باد رخسار او) به دو علت است: یکی این که در میان صحابه تنها علی (علیه السلام) بوده است که قبل از بلوغ اسلام آورد، و هرگز در مقابل بت نایستاد و کرنش نکرد، و دیگر این که نوشته اند؛ زمانی که فاطمه دختر اسد مادر علی (علیه السلام) آبستن به حضرت بود، هرگاه محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) را می دید،

ناگهان به احترام آن حضرت برمی خاست و ادای احترام می کرد. پیغمبر آینده اسلام روزی گفت: ای مادر! تو آبستنی، من راضی نیستم برای من این طور از جا برخیزی، فاطمه گفت: به خدا قسم هرگاه شما را می بینم، جنینی که در شکم دارم طوری جابجا می شود که مرا ناگزیر می سازد از جا بلند شوم!

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی از خُم دوست، جوانم به خُم موی علی

شمه‌ای از مناقب مولای متقیان:

در آغوش پیامبر (ص): يك سال قحطی بزرگی در مکه رخ داد، در آن زمان ابوطالب عموی پیامبر دارای عائله زیاد و هزینه سنگین بود. پیامبر به عموی خود عباس پیشنهاد کرد که برای بهتر شدن اوضاع مالی ابوطالب هر کدام فرزندی از وی را تحت تکفل بگیرند؛ عباس با موافقت ابوطالب، جعفر را به نزد خود برد و پیامبر نیز حضرت علی را به خانه خودش برد. (ابن اثیر / الکامل فی التاریخ / ج ۲، ص ۵۸)

امیر المؤمنین فرمود: «و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امه يرفع لي في كل يوم من اخلاقه علما و يامرني بالاعتداء به - من در پی او (پیامبر ص) بودم - در سفر و حضر - چنانکه شتر بچه در پی مادر. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای برپا می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت (خطبه ۱۹۲، ص ۲۲۲)

در کتب صحاح اهل سنت روایت شده که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل گردید و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت، علی (ع) در کنار پیامبر اسلام بود» (ابن ابی الحدید / شرح نهج البلاغه / ج ۱۳، ص ۲۰۸) «أري نور الوحي و الرسالة و اشم ريح النبوه - روشنایی وحی و پیامبر را می‌دیدم و بوی نبوت را می‌شنودم.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

الا که رحمت آیتی ز رحمت علی بود
همه کتاب انبیا حکایت علی بود
بهشت و هر چه اندر او عنایت علی بود
اجل نعمت خدا ولایت علی بود

اول مسلمان یا اول جلوه نور محمدی: تواریخ شیعی بالاجماع و تواریخ اهل سنت نیز در بسیاری از منابع خود این مطلب را تصریح نموده‌اند. پیش از همه خود پیامبر اکرم به پیشقدم بودن علی (ع) اشاره می‌کند، که در میان جمعی از یاران خود فرمود: «نخستین کسی که در روز رستاخیز با من در کنار حوض ملاقات می‌کند پیشقدم ترین شما در اسلام، علی بن ابیطالب است» (ابن عبدالبر / الإستيعاب في معرفة الأصحاب / چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی ۱۳۲۸ هـ / ج ۳، ص ۲۸)

برادر و وصی و خلیفه من در میان شما: پیامبر اسلام در مهمانی بستگان خود که تمامی آنها را به اسلام دعوت کرد، کسی جز علی (ع) دعوتش را اجابت ننمود؛ که پس از سه بار اعلام حمایت علی (ع) از پیامبر، حضرت دست خود را بر دست علی زد و دو جمله تاریخی خود را در مجلس بزرگان بنی‌هاشم فرمود: «هان ای خویشاوندان و بستگان من! علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست» (طبری / تاریخ الامم والملوک / ج ۲، ص ۲۱۷)

جان به فدای رسول خدا (ص): در آیه ۲۰۷ سوره مبارکه بقره می‌خوانیم: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ - بعضی از مردم با ایمان، جان خود را برای کسب خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است». عموم مفسران از جمله مفسران اهل سنت قائلند که این آیه درباره فداکاری بزرگ علی (ع) در لیلۃ المیت (آن شبی که بجای پیامبر، علی (ع) خوابید تا حضرت به مدینه هجرت کنند) نازل شده است. (ابن ابی الحدید/ شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۶۲)

عقد اخوت با رسول خدا (ص): پیامبر پس از ورود به مدینه دستور داد تا بین مهاجران و انصار، پیمان برادری بوجود آید، البته هر دو نفری که با هم برادر می‌شدند، از نظر کمالات و فضیلت شبیه هم بودند، پس از آنکه برای هر کدام برادری تعیین کردند، علی (ع) که تنها مانده بود با چشمانی اشکبار به حضرت عرض کرد: «بین من و کسی برادری برقرار نکردی!»

حضرت رسول فرمودند: «تو برادر من در دو جهان هستی.» (حاکم نیشابوری/ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴)

الگوی اخلاص و جهاد فی سبیل الله: حضرت امیر (ع) در بیست و شش غزوه همراه پیامبر بود و فقط در غزوة تبوک که بیم آن می‌رفت، منافقان در غیاب پیامبر در مدینه توطئه کنند، حضرت علی (ع) به دستور پیامبر در مدینه ماند. (ارشاد مفید، ص ۳۹)

در جنگ بدر که در سال دوم هجرت رخ داد، علی (ع) در جنگ تن به تن با ولید، دانی معاویه و روبرو شد و بلافاصله وی را از پای درآورد. سپس به کمک هم‌رزم خود عبیده رفت و عتبه که جد معاویه بود را نیز به هلاکت رساند. (کشتگان جنگ بدر حدوداً سی و شش تن بوده‌اند) «راویان شیعه و سنی به اتفاق نوشته‌اند که این عده را علی بن ابیطالب (ع) شخصاً کشته است، به جز کسانی که در مورد قاتل آنان اختلاف است و یا علی در کشتن آنان با دیگران شرکت داشته است.» (ارشاد مفید، ص ۳۹).

در جنگ احد تمامی پرچمداران قریش را که از قبیله بنی عبدالدار و معروف به شجاعت بودند، علی (ع) به هلاکت رساند، یکی از مورخین می‌گوید: «کسی که پرچمداران قریش را شکست داد علی (ع) بود... پیامبر اسلام گروهی از مشرکین را مشاهده کرد که عازم حمله بودند به علی (ع) دستور داد به آنان حمله کند، علی (ع) نیز با حمله به آنان و کشتن چند تن، موجبات متفرق شدن آنان را فراهم کرد، باز گروهی دیگر آمدند و علی (ع) مجدداً به دستور پیامبر به آنان حمله کرد. در این هنگام فرشته وحی به پیامبر عرض کرد: «این نهایت فداکاری است که علی (ع) از خود نشان می‌دهد». رسول خدا فرمود: «او از من است و من هم از او هستم». در این هنگام صدائی از آسمان شنیدند که می‌گفت: «لَا سِيفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا قَتِي إِلَّا عَلِي - هیچ شمشیری جز ذوالفقار و هیچ جوانمردی جز علی نیست» (ابن اثیر/ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۵۴)

در جنگ خندق نیز علی (ع) با جنگاور عرب "عمرو بن عبود" مبارزه کرد و او را از پای درآورد، پیامبر اسلام در مورد علی (ع) می‌فرماید: «لُمُبَارَزَةِ عَلِيَّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ لَعُمْرُو بْنُ عَبْدِودِ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - همانا مبارزه علی (ع) با عمرو بن عبود در روز (جنگ) خندق برتر از اعمال امت من تا روز قیامت است». (المستدرک علی الصحیحین/ ج ۳، ص ۳۲)

نیز وقتی که فرماندهان اعزامی حضرت، موفق به فتح برخی از قلعه‌ها نشده بودند، پیامبر (ص) فرمود: «فردا این پرچم را بدست کسی خواهم داد که خداوند این دژ را بدست او می‌گشاید، کسی که خدا و

رسول خدا را دوست می‌دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می‌دارند». (الإستيعاب في معرفة الأصحاب/ ج ۳، ص ۳۶)

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

خاک زیر پا و آب وضوی علی

جابر بن عبدالله انصاری، روایت کرده است: هنگامی که امام علی علیه السلام مژده فتح خیبر را به پیامبر خدا داد، پیامبر به او فرمود: «اگر برخی از امت من درباره تو سخنانی را نمی‌گفتند، آن گونه که نصارا درباره عیسی می‌گویند، درباره ات چیزهایی می‌گفتم که مردم، خاک زیر پایت و باقی مانده آب وضویت را برای شفا می‌گرفتند. با این حال، همین برای تو کافی است که تو از منی و من از توام. تو وارث منی و من وارث تو. تو برای من مثل هارون برای موسایی؛ جز اینکه پس از من پیامبری نیست. دینم را تو ادا می‌کنی، به روش من می‌جنگی و فردای قیامت بر حوض کوثر، خلیفه من هستی. تو نخستین کسی هستی که بر حوض کوثر بر من وارد می‌شوی. اولین کسی هستی که همراه من لباس بر تن می‌کنی. نخستین فرد اتم هستی که وارد بهشت می‌شوی. شیعیان تو بر منبرهایی از نور و با روی سفید، در اطراف من گرد می‌آیند و من آنان را شفاعت می‌کنم و آنان همسایه‌های من در بهشت هستند. جنگ و صلح با تو، جنگ و صلح با من است. راز تو، راز من است. امور آشکار تو، امور آشکار من و فرزندان تو، فرزندان من هستند. این تویی که به وعده‌های من عمل می‌کنی. همیشه حق با تو بوده و بر زبان تو جاری و در قلب و چشم توست. ایمان با گوشت و خون تو آمیخته، همان گونه که با گوشت و خون من آمیخته است». (امالی شیخ صدوق، ص ۱۴۷)

به پرده بود جمال جمیل عزوجل
من از مفصل این نکته، مجملی گفتم
علی شد آینه، «خیر الکلام قلّ و دلّ»
تو، خود، حدیث مفصل بخوان از این مجمل

سرچشمه ولایت‌گریزی چیست؟

همه در حجة الوداع سخن پیامبر(ص) را درباره علی (ع) می‌دانستند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» اما بعد از رحلت پیامبر (ص) با تهدید و تطمیع از دور علی (ع) پراکنده شدند و بیست و پنج سال حضرت، خانه نشین شد. و در این مدت علی (ع) به تصریح خودش برای حفظ اسلام و محکم شدن پایه‌های دین سکوت کرد. (نهج البلاغه / نامه ۶۲) پس از قبول خلافت نیز سه جنگ مهم رخ داد که اولی جمل نام داشت، اشخاصی در برابر حضرت علی علیه السلام ایستادند که از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند و می‌دانستند علی، جان پیامبر بود و غدیر را با چشمانشان دیده و درک کرده بودند.

در جنگ دوم؛ صفین، فرماندهان لشکر امیرالمؤمنین علی علیه السلام به بهانه قرآن بر نیزه کردن لشکر کفر، صلح و شکست را بر آن حضرت تحمیل کردند. در جنگ سوم – نهروان – همان نخبگانی که در جنگ صفین، صلح را به حضرت علی علیه السلام تحمیل کردند که حضرت حکمیت را بپذیرد، توبه کردند و گفتند علی هم باید توبه کند که چرا حرف ما را پذیرفته است و بالآخره با آن حضرت جنگیدند. در این جنگ، مسلمانانی که حافظان قرآن بودند و رختخوابشان، جانمازشان بود، با ولی خدا پیکار کردند و همگی، به جز چند نفر که گریختند، کشته شدند». (فروغ ولایت، صص ۲۹۱ - ۳۱۳)

سؤال این است که این ولایت‌گریزی از چه چیز سرچشمه می‌گرفت. مهم‌ترین علت این ولایت‌گریزی، بی‌بصیرتی برخی خواص و عموم مردم بود. که حضرت آن را چنین بیان می‌کند: «اوصيكم

عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ... - بندگان خدا، شما را به تقوا سفارش می کنم که تقوا بهترین چیزی است که عباد حق، یکدیگر را به آن سفارش می کردند و از بهترین عاقبت ها نزد خداست. بین شما و اهل قبله باب جنگ گشوده شده و این پرچم را به دوش نمی کشد مگر آن که اهل بصیرت و استقامت و دانای به موارد حق باشد. پس آنچه را به آن مأمور می شوید انجام دهید و از آنچه نهی می شوید باز ایستید و در کاری تا دقیقاً بررسی نکرده اید شتاب نوزید، زیرا آنچه را شما (از روی جهل) منکر آن هستید ما را قدرت تغییر آن هست.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

کوی علی است منزل و جایگاه نشست ما	روی علی است قبله این دل حق پرست ما
سوی علی است هر زمان به التماس دست ما	بوی علی است باعث حال خراب و مست ما